ز) رابطه اختلاف مصاحف بلد با اختلاف قرائت بلد

با این مقدمه یک کلمه دیگر میگویند و بعد به بحث ما میآیند. میگویند:

> قالوا: وإنما اجتمع الناس على قراءة هؤلاء، واقتدوا بهم فيها لسببين. أحدهما: إنهم تجردوا لقراءة القرآن، واشتدت بذلك عنايتهم مع كثرة علمهم، ومن كان قبلهم، أو في أزمنتهم، ممن نسب إليه القراءة من العلماء، وعدت قراءتهم في الشواذ. لم يتجرد لذلك تجردهم، وكان الغالب على أولئك الفقه، أو الحديث، أو غير ذلك من العلوم. والآخر: إن قراءتهم وجدت مسندة لفظا، أو سماعا، حرفا حرفا
>
> **[1]**

گفتند پس چرا از این هفت نفر اسم میبری؟ حالا میخواهند توضیح بدهند که چرا اسم این هفت نفر را میبرند. شبیه زمان ما؛ در ساعتها بزنید. هزاران مورد میآید. میگویند مصحف حفص، مصحف ورش، مصحف قالون. کسی میآید و میگوید نزد شما مسلمانان قرآن کتاب قالون است یا کتاب خدا است؟ کتاب ورش است یا کتاب خدا است؟ کتاب حفص است؟ این را بزنید و ببینید چقدر میآید.مصحف شعبه و ... . خب وقتی ما میگوییم مصحف حفص، به این معنا نیست که برای او است. وقتی میگویند مصحف ورش به این معنا نیست که برای او است. بلکه تمام اینها روی حساب است. به اینها میگویند قرائت نافع. قرائت نافع حساب دارد، نه اینکه این برای او است. اینها نزد اهل فن خیلی روشن است.

شاگرد: اینکه اهل مدینه یک قرائت دارند و اهل مکه قرائت دیگری دارند، چطور موید مدعا است؟ خب ممکن است یک روایت در مدینه مشهور شده باشد و روایت دیگر در مکه.

استاد: ببینید تابع مصاحف بوده. این بحث تمام شد سراغ بحث مصاحف میرویم. عثمان پنج مصحف را همراه کسی که قاری آن بود فرستاد. ابوعبدالرحمان سلمی را به کوفه فرستاد. در هر شهری مصحف را با قاری خاص خودش فرستاد. او شروع کرد. میخواند و میگفت به این صورت بخوانید. و الّا هر کسی نمیتواند رسم المصحف را همینطور بخواند. چرا؟ بعداً میرسیم. اما اینکه آن قاری چطور خواند و آیا در آن بلد سابقه داشت یا نداشت، میگوییم سابقه داشت. او که برای آن بلد قرآن جدید نمیآورد. اتفاقا عثمان میدانست که قرائات بلاد چیست، تا مصحف مناسب زمینه قرائت آنها را بفرستد. نه اینکه همینطور بفرستد. این بحثها را مفصل عرض میکنم.

حتی آقای غانم قدوری کتاب خوبی نوشته است. عراقی است. اسم کتاب رسم المصحف بود. ترجمه فارسی هم شده است. ترجمه خوبی هم کرده. آقای مترجم که از علماء هستند میگویند ابتدا من گفتم حالا ببینیم چیست، اما بعد از اینکه ترجمه کردم خوشحال شدم و گفتم چه کتاب خوبی است. ولی همین آقای غانم قدوری بعضی از مسلمات و واضحات رسم المصحف کلاسیک را خراب کرده است. چون می خواستم آکادمیک بحث کنم؛ می خواستم صاف و همه کس پسند بحث کنم، خراب

کرده. سر جایش عرض می‌کنم. البته منصفانه بحث کرده. از کسانی است که تقریباً مقبول همه افتاده است. همین‌جا که می‌رسد اعتراف می‌کند؛ با اینکه با مبانی خودش مخالف است می‌گوید این موارد استثناء است. بعداً عرض می‌کنم.

شاگرد: اینکه یک قرائت در مدینه و یک قرائت در مکه مشهور شده هیچ قرینه‌ای ندارد که خداوند هر هفت قرائت را بر پیامبر انزال کرده. بلکه جبرئیل تنها یک قرائت را انزال کرده.

استاد: ببینید شما عجله می‌کنید. همه اینها موجود است. در فدکیه یک صفحه‌ای هست به نام رسم المصحف؛ تمام آیاتی که در رسم المصحف در مصاحف با هم اختلاف دارد و نمی‌توان آنها را کاری کرد و به قرائت کسی بر نمی گردد، جمع‌آوری شده. لذا من گفتم که متأسفانه در این هشت سال رسم المصحف را شروع نکردیم. یکی از آنها همین است. در صفحات اینترنت مصحف ورش را بیاورید. در سوره مبارکه بقره دارد: «وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبْرَٰهِيمُ بَنِيهِ»[2]. اما وقتی مصحف ورش را می‌آورید دارد «و اوصی». این را که نمی‌توانید کاری کنید. مصحف ورش از قدیم برای مدینه بوده. شما می‌گویید اینها چیست؟! پیرترین قراء سبعه کدام است؟ ابن عامر است. نزدیک صد سال عمر کرده است. اگر شاگردش درست گفته باشد، بعد از شهادت رسول الله به دنیا آمده است. و الّا اگر آن چه که خودش گفته، درست باشد...؛خودش می‌گوید که من در سال هشتم به دنیا آمدم. صد سال می‌شود[3]. حال شرح حال ابن عامر را نگاه کنید.

ابن کثیر که خودش بنابرنقل خودش زمانیکه عثمان مصاحف را فرستاد، بالای بیست سال بوده. یک جوانی است که بالای بیست ساله است، در آن زمان تازه مصاحف را ارسال کرده‌اند. بعد هم خودش از قراء سبعه می‌شود. یک کتاب دارد به نام اختلاف مصاحف الامصار. کسی که در صد و خورده‌ای سال در بلاد مسلمین عمر کرده و خودش از قراء سبعه است، همان زمان کتابی به نام اختلاف مصاحف الامصار نوشته است. یعنی اینطور بوده. یعنی وقتی کتاب او را می‌بینید می‌گوید در مصحف اهل مدینه «و اوصی» است و در مصحف اهل کوفه «و وصی» است. بنابراین اینطور نیست که بگوییم یک قرائت، روایت بوده. ما رسم المصحف داریم که بین مسلمانان جا افتاده بود. یک مسلمان نیامده بگوید مصحف مدینه غلط است یا مصحف کوفه غلط است. بلکه گفته این یک روایت از حضرت است و آن هم روایت دیگری از حضرت است. در بلاد هم معروف بود و آن مصاحف را هم مناسب قرائت اهل بلد به آن جا فرستادند.

---

[1] همان ۳۸.۱

[2] البقره ۱۳۲

[3] غاية النهاية في طبقات القراء (1/ 425) قال أيوب عن يحيى بن الحارث ولد ابن عامر سنة إحدى وعشرين وقال خالد بن يزيد سمعت عبد الله بن عامر اليحصبي يقول ولدت سنة ثمان من الهجرة في البلقا بضيعة يقال لها رحاب1 وقبض رسول الله صلى الله عليه وسلم ولي سنتان وذلك قبل فتح دمشق وانقطعت إلى دمشق بعد فتحها ولي تسع سنين قلت: وهذا أصح من الذي قبله لثبوته عنه نفسه.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 ژوئن 2024 13:23:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئن 2024 16:12:26 توسط ... .